

Conceptual Explanation the Boundaries of Urban Politics and Urban Policy in Urban Politics Science

Although it has been much using of the two Urban Politics and Urban Policy Concepts, but Compare them together, the conceptual boundaries of two mentioned concepts are not much transparent. This is a problem, and this research has tried to prove the Reason. To answer the question; What comparing two mentioned concepts can help to our better understanding of Urban Politics Science?, Case study method has been used. Referring to theoretical works and documents, the conceptual boundaries of Urban Politics and Urban Policy have been determined and then, they have been compared to each other. the two mentioned concepts don't totally overlap each other, and each of them has its own exclusive area. In next step, the relation of these two concepts (Urban Politics and Urban Policy) has been determined With Urban Politics Science. The research concluded that Urban Politics Science is nothing but Understanding of hidden intervention of unofficial forces in a city decision making process, and other topics are additional and unessential.

تبیین مرزهای مفهومی سیاست شهر و خط‌مشی شهری در علم‌سیاست شهرمحمد باقر خرمشاد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۹

سبحان محقق^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

چکیده

با وجود این‌که از سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری زیاد استفاده می‌شود، اما مرزهای مفهومی این دو مفهوم در مقایسه با یکدیگر، چندان شفاف نیستند. همین، یک مسئله است. در تحقیق حاضر تلاش شده‌است تا علت آن، ثابت شود. در پاسخ به این سؤال که مقایسه دو مفهوم بالا، چه کمکی به ما در فهم بهتر علم‌سیاست‌شهر می‌کند؟، از روش مطالعه موردی استفاده شده‌است. در این پژوهش با مراجعه به آثار نظری و اسناد، مرزهای مفهومی سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری مشخص و این دو با هم مقایسه شده‌اند. دو مفهوم اشاره‌شده، کاملاً بر یکدیگر منطبق نیستند و هرکدام از آنها حوزه انحصاری خود را نیز دارد. در مرحله بعد، نسبت میان هر یک از دو مفهوم سیاست و خط‌مشی با علم‌سیاست‌شهر معلوم شده‌است. پژوهش حاضر در نهایت، به این نتیجه رسیده‌است که علم‌سیاست‌شهر، چیزی جز فهم مداخلات پنهان نیروهای غیررسمی در روند تصمیم‌گیری یک شهر نیست و بقیه موضوعات، فرعی و کم‌اهمیت هستند.

کلید واژه‌ها: علم‌سیاست‌شهر، سیاست‌شهر، خط‌مشی شهری، مرزهای مفهومی، مداخلات پنهان.

^۱استاد، جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، mb.khorramshad@gmail.com

^۲دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، Smohaghegh@rocketmail.com

علم‌سیاست‌شهر^۱ بخشی از گستره وسیع مطالعات شهری را تشکیل می‌دهد و خود این علم هم به نوبه خودش، مسائل، موضوعات و مفاهیم گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، که در میان آنها، دو مفهوم سیاست‌شهر^۲ و خط‌مشی شهری^۳، جایگاه ویژه‌ای دارند. اما، با وجود این که از دو مفهوم بالا زیاد استفاده می‌شود، مرزهای مفهومی این دو نسبت به یکدیگر، چندان شفاف و مشخص نیستند. این آشفتگی و نبود مرزهای کم‌وبیش شفاف، یک مسئله است؛ زیرا، همان‌طور که توضیح داده خواهد شد، باعث می‌شود که ما در باره فلسفه شکل‌گیری علم‌سیاست‌شهر، تداوم حیات و اهداف آن، تصور درستی نداشته باشیم و علاوه بر آن، ممکن است باعث شود که مباحث محوری و مهم علم‌سیاست‌شهر، نادیده گرفته شوند. در هر حال، جداسازی مرزهای مفهومی دو مورد اشاره شده، تا آنجا اهمیت دارد که شاید بتوان گفت، هیچ توضیح دیگری بهتر از این جدا سازی، نمی‌تواند حدود و ثغور علم‌سیاست‌شهر را مشخص کند.

خلاصه کلام این که در پژوهش حاضر تلاش شده است با تمرکز بر ظرافت‌های مفهومی مختص هر یک از دو مفهوم سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری و ترسیم مرزهای شفاف میان آنها، به هدف دیگری برسیم و آن، کشف موضوع محوری علم‌سیاست‌شهر است. به عبارت دیگر، تحقیق کنونی به این پرسش پاسخ داده است که مقایسه دو مفهوم سیاست و خط‌مشی در مقیاس یک شهر، ما را در فهم علم‌سیاست‌شهر چه کمکی می‌کند؟

این پژوهش، خلاء موجود در باره مرزهای مفهومی سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری و نسبت آنها با علم‌سیاست‌شهر را نیز پر می‌کند.

چارچوب مفهومی

در سراسر پژوهش حاضر، با مفاهیمی مثل شهر، سیاست، سیاست‌شهر، علم‌سیاست‌شهر، خط‌مشی شهری، مرزهای مفهومی و روابط قدرت سروکار داریم. از آنجا که خود همین مفاهیم، موضوع تحقیق هستند، تعاریف و مباحث مفصل مرتبط با آنها، در جای خود ارائه شده‌اند. در اینجا، نوع نگاه اندیشمندان به سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری، مورد توجه قرار گرفته و سازه و الگوی مفهومی پژوهش نیز ارائه گردیده است. علاوه بر آن، بر اساس دغدغه‌های اولیه اندیشمندانی که زمینه‌ساز علم‌سیاست‌شهر شده‌اند، یک تعریف و الگوی مفهومی اولیه از این علم به دست داده شده است.

پدیده‌ای به نام شهر، که کم‌وبیش چهار ویژگی سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت را داشته باشد، از دوران یونان باستان جزو مباحث محوری علم‌سیاست بوده (قاضی، ۱۳۸۵، ۱۱۴ و ۱۱۵)، ولی علم

سیاست‌شهر طی قرن بیستم و به تدریج وارد مباحث علوم سیاسی شده‌است. این علم ریشه در تحقیقات مدرسه جامعه‌شناسی شیکاگو دارد؛ در دهه ۱۹۲۰ روبرت‌ای. پارک^۴ و همکارانش در باره شهر، بررسی‌های همه‌جانبه‌ای کرده و نوع خاص مدیریت سیاسی آن را متذکر شده‌اند (Park et. al., 1925: 33). آنها ضمن توجه به وجه مادی شهر، هیئتی از رسم‌ها، طرز تلقی‌ها و احساسات سازمان‌یافته را نیز در شهر یافته‌اند (park, et al, 1925: 1). این مطالعات باعث شد که اندیشمندان بعدی نسبت به مدیریت سیاسی شهر حساس شوند و علم‌سیاست‌شهر به تدریج، در عرصه‌های دانشگاهی جا باز کند.

اما، علی‌رغم این تطور تاریخی، به نظر می‌رسد که علت مهم‌تری باعث شده است که کشور ایالات متحده آمریکا خاستگاه اولیه و زمینه ساز تطور علم‌سیاست‌شهر باشد و آن، ساختار فدرال و غیرمتمرکز نظام سیاسی این کشور است؛ قدرت و اختیارات زیاد دولت‌های محلی و شهری، و مداخلات گسترده‌ای که گروه‌های نفوذ و صاحبان ثروت در روند تصمیم‌گیری شهری می‌کرده‌اند، برای جامعه‌شناسان (و سپس، اندیشمندان سیاسی) آمریکایی، تبدیل به مسئله شد.

با توجه به این سابقه، اگر بخواهیم تعریفی از علم‌سیاست‌شهر به دست دهیم و مسئله و دغدغه جامعه‌شناسان اولیه را در نظر داشته باشیم، می‌توانیم بگوییم که «علم‌سیاست‌شهر عبارت از فهم چگونگی مداخله نیروها برای توزیع ارزش‌ها در سطح یک شهر است».

مفهوم سیاست‌شهر نیز همراه با شکل‌گیری و توسعه علم‌سیاست‌شهر، وارد مباحث سیاسی شده‌است. مفهوم سیاست‌شهر موضوعات گسترده‌ای را در بر می‌گیرد و همان‌طور که در جای خود توضیح داده خواهد شد، این موضوعات برای علم‌سیاست‌شهر، اهمیت یکسانی ندارند.

اما، قدمت مفهوم خط‌مشی‌شهری کمی بیشتر از سیاست‌شهر است و ریشه‌های آن را باید در صنعتی شدن انگلیس در قرن نوزدهم جست‌وجو کرد (Blackman, 1995: 3). «در آغاز قرن نوزدهم، تنها یک پنجم جمعیت انگلیس در شهرها زندگی می‌کردند، تا پایان قرن، این (درصد) به چهار پنجم افزایش یافته بود» (Blackman, 1995: 6). این افزایش جمعیت، زمینه ساز توجه بیشتر به مسائل شهری و رفاه شهروندان در چارچوب خط‌مشی‌شهری شده‌است. در قرن بیستم همراه با توسعه علم مدیریت و برنامه‌ریزی، استفاده از مفهوم خط‌مشی‌شهری، گسترده‌تر از قبل شده‌است.

با توسعه مباحث علم‌سیاست‌شهر، بهره‌گیری از دو مفهوم سیاست‌شهر و خط‌مشی‌شهری، ابعاد جدیدی پیدا کرده‌است. با این وجود، پژوهشگران تلاش نکرده‌اند مرزهای مفهومی این دو را نسبت به یکدیگر، شفاف کنند. به نوشته آلن کوچرین^۵، «حد اقل، در جامعه غربی یک هرج و مرج مفهومی (در خصوص خط‌مشی) وجود دارد... زیرا در باره مشکلی که بر اساس آن، خط‌مشی ممکن است تعریف شود، اتفاق نظری وجود

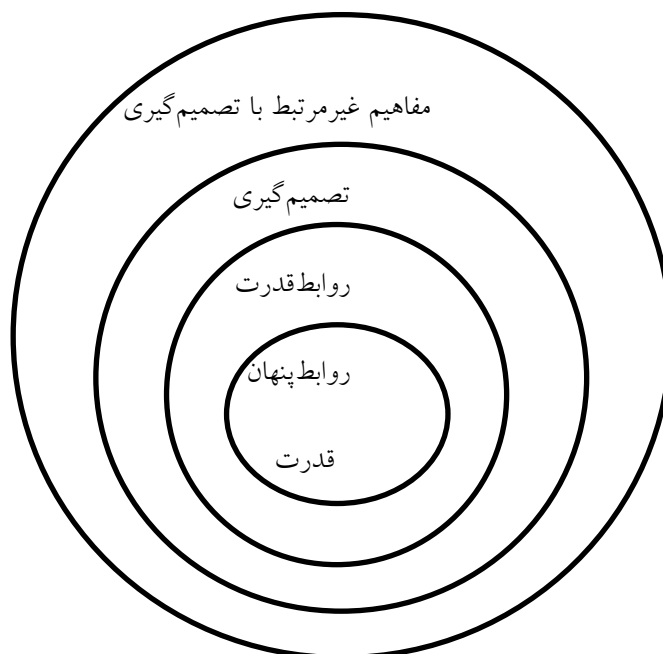
ندارد» (Cochrane, 2007: 2). او خودش هم از مفهوم خط‌مشی‌شهری چیزهایی را مراد می‌کند که با مفهوم سیاست‌شهر مشترک هستند.

برخی نویسندگان دیگر، مثل کوین‌وارد^۶ و دیوید امبروسیو^۷، سیاست‌شهر را یک مبحث و علم مستقل نمی‌دانند (Ward and Imbroscio, 2011: 853,71)، که البته تصور درستی نیست. جانان‌اس. دیویس^۸ و امبروسیو، هم معتقدند که «سیاست‌شهر یک زیر شاخه متکثر است» (Davies and Imbroscio 2009: 13) در این کلان‌نگری، سیاست‌شهر یا همان علم‌سیاست‌شهر، حوزه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد و بر خط‌مشی‌شهری نیز محاط است. این در حالی است که، تفکیک میان سیاست‌شهر و خط‌مشی‌شهری، برای فهم دقیق تر علم‌سیاست‌شهر و تمرکز پژوهشی در این علم، کاملاً ضروری است. در مجموع، ما با مطالعه ادبیات موجود مربوط به سیاست‌شهر و خط‌مشی‌شهری، نوعی در هم آمیختگی را میان این دو مفهوم شاهد هستیم.

۱- سازه مفهومی

هدف در پژوهش حاضر، ایجاد شفافیت در مرزهای مفهومی است و این شفافیت بر اساس سازه مفهومی زیر صورت می‌گیرد:

سیاست‌شهر



شکل ۱- سازه مفهومی

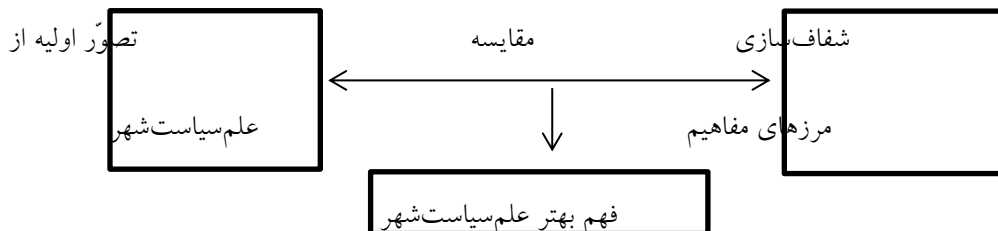
همان‌طور که می‌بینیم، درسازۀ مفهومی بالا، دو مفهوم تصمیم‌گیری و روابط قدرت، معیار سنجش سایر مفاهیم و دوری و نزدیکی آنها با مرکز هستند. علاوه بر آن، سازه بالا، ویژگی‌های زیر را دارد:

(۱) دایره‌ای شکل است. دلیلش این است که میان مفاهیم رابطه‌ی علی برقرار نیست، بلکه فقط دوری و نزدیکی آنها با مرکز فهم می‌شود.

(۲) این دایره‌ها متداخل هستند، زیرا همه مفاهیم بالا تحت پوشش علم سیاست شهر قرار می‌گیرند. سازه مذکور همچنین، سه وجه دارد؛ اول، وجه سلسله‌مراتبی (از پیرامون به سمت مرکز)، دوم، مرزهای جداساز مفاهیم، و سوم، مرکز ثقل.

۲- الگوی مفهومی

فهم دوری و نزدیکی نسبی هر یک از مفاهیم با علم سیاست شهر، از طریق الگوی زیر حاصل می‌شود:

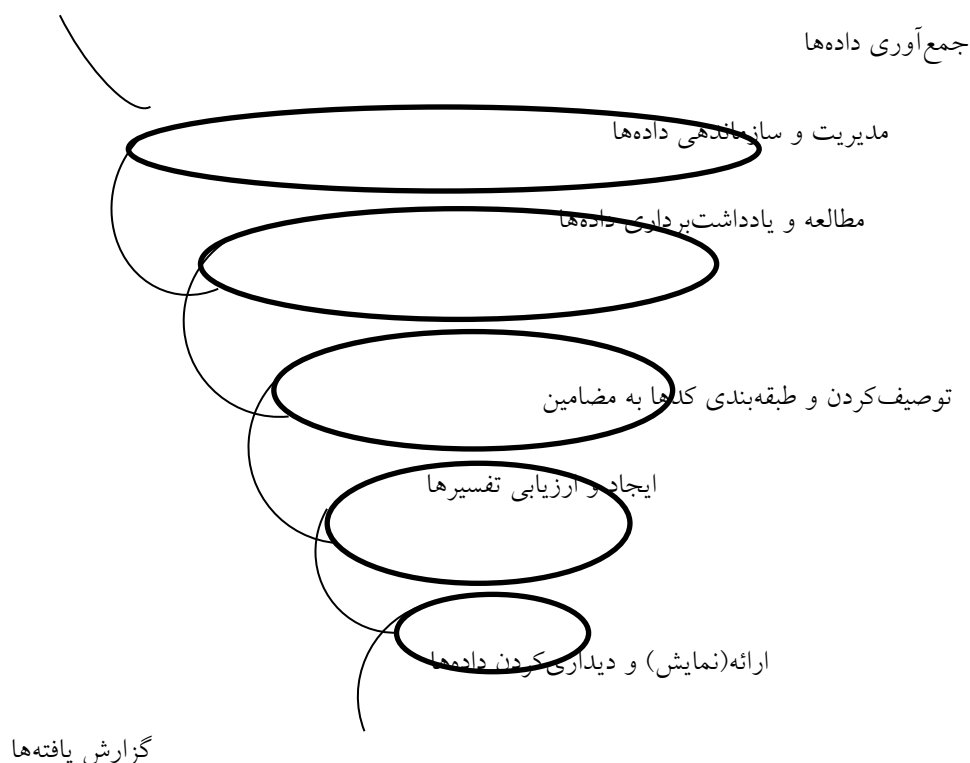


شکل ۲- الگوی مفهومی

روش تحقیق

پژوهش مقاله حاضر، مبتنی بر روش مطالعه موردی بوده و در تحلیل، دو مرحله طی شده است: (۱) استخراج یافته‌ها و برای نیل به این مقصود، طبق رویکرد جان دبلیو کرسول^۹ و کریل ان پوث^{۱۰} عمل شده است، و (۲) مقایسه یافته‌ها، که مبتنی بر رویکرد رابرت کی بین^{۱۱} است. در ادامه، نحوه به کارگیری هر یک از دو رویکرد فوق، تشریح شده‌اند.

استخراج یافته‌ها: از نگاه کرسول و پوث، مطالعه موردی یکی از انواع پنجگانه مطالعات کیفی^{۱۲} است (Creswel and Poth, 2018: 106). آنها هفت مرحله را برای مطالعه موردی قائل هستند و این مراحل را به شکل مارپیچ تحلیل داده‌ها، که در زیر آمده است، معرفی می‌کنند.



شکل ۳- ماریچ تحلیل داده‌ها

منبع: (Creswel and Poth, 2018: 255).

همان‌طور که می‌بینیم، این رویکرد مشابه تحلیل مضمون^{۱۳} و داده‌بنیاد^{۱۴} است و فقط این تفاوت را با داده بنیاد دارد که ضرورتاً به ارائه نظریه ختم نمی‌شود. نکته دیگر این است که تصویر بالا به شکل هرم وارونه بوده و از وضعیت گسترده و کلان به سمت وضعیت محدود و خرد جریان پیدا می‌کند. در مقاله حاضر برای استخراج یافته‌ها، کم و بیش از مراحل فوق استفاده شده است.

مقایسه موارد: بین چگونگی کاربرد روش مقایسه‌ای خاص مطالعه موردی را شرح داده است و شیوه ای که او برای مقایسه به کار گرفته، منطق تطبیق الگو^{۱۵} نام دارد. بر اساس این منطق، «یک (یا چند) الگوی بر آمده از تجربه- یعنی، الگویی که بر یافته های مطالعه موردی شما مبتنی است- با یک الگوی پیش بینی شده...، که قبل از جمع آوری داده های شما موجود بوده است، مقایسه می شود» (Yin, 2018: 251). بر خلاف روش‌های مقایسه‌ای، که معمولاً کاربرد تبیینی دارند (لیتل، ۱۳۸۸، ۴۴)، روش مقایسه‌ای بین، برای تحقیقات توصیفی و اکتشافی نیز کاربرد دارد. هر چند همیشه نمی‌توان میان اشکال توصیفی، تبیینی و اکتشافی، مرزهای شفاف را ترسیم کرد (Yin, 2018: 41)، ولی با این حال، تحقیق حاضر بیشتر اکتشافی است.

نکته دیگر این که، «ممکن است مطالعه شامل بیش از یک مورد باشد... (و) انتخاب طرح تک‌موردی و چندموردی در چارچوب روش‌شناسی یکسانی صورت می‌گیرد» (بین، ۱۳۹۸، ۷۳). با توجه به نکته فوق، مطالعه‌موردی این پژوهش، دوموردی بوده و موردهای سیاست‌شهر و خط‌مشی‌شهری را شامل می‌شود. داده‌ها نیز به شیوه غیرتصادفی و هدفمند و با رجوع به اظهار نظرهای اندیشمندان و اسناد، جمع‌آوری شده‌اند.

اما، پس از آن که گستره مفهومی سیاست‌شهر و خط‌مشی‌شهری مشخص و حوزه‌های مشترک و انحصاری هر یک از این دو مفهوم معلوم شد و به علاوه، پس از آن که پی‌بردیم تصور اولیه اندیشمندان از علم‌سیاست‌شهر، چه بوده، بر اساس تطبیق الگوی مورد نظر بین، مقایسه لازم صورت گرفته‌است. چگونگی این مقایسه در شکل زیر آمده‌است:

گستره موضوعات و مطالعات شهری

مطالعات مربوط به شهرها، بر اساس ادبیاتی که اکنون موجود و قابل دسترس است، گستره خیلی وسیعی دارد و این گستره در یک نگاه کلان، به پنج دسته زیر قابل تقسیم است:

- ۱) آن دسته از مسائل و مطالعات جامعه‌شناختی که به روابط قدرت و روند تصمیم‌گیری یک شهر ارتباط مستقیم ندارند، که از جمله آنها، می‌توان به کتاب‌های *فاس شهر اسلام* (۱۳۸۹) و *شهرها و طبقه خلاق* (۱۳۸۹) و یا مطالعات مرتبط با افزایش جرم در مناطق حاشیه‌نشین شهری اشاره کرد.
- ۲) دسته‌ای از موضوعات که به تصمیم‌گیری و مدیریت شهر مربوط می‌شوند، اما به روابط قدرت ارتباطی ندارند. این اقدامات ممکن است که رفاه شهروندان را تحت تاثیر قرار دهند، ولی معمول و روزانه بوده و حداقل کاری است که شهرداری باید برای شهروندان انجام دهد، که یک نمونه آن، جمع‌آوری زباله است.
- ۳) مطالعات کلان‌سیاسی شهری، مثل مطالعه در باره تاثیری که توسعه و بزرگ شدن شهر بر توزیع درآمدهای یک کشور می‌گذارد و باعث توسعه ناموزون جامعه می‌گردد.
- ۴) موضوعاتی که مستقیماً به روابط قدرت مربوط می‌شوند، ولی رسمی، قانونی و آشکار هستند، مثل تصمیماتی که شورای شهر و دیگر نهادهای قانونی برای یک شهر اتخاذ می‌کنند.
- ۵) موضوعات و نظریاتی که مستقیماً به روابط قدرت مربوط می‌شوند، ولی در آنها وجه پنهانی و جنبه غیررسمی روابط قدرت مدنظر است، که از جمله آنها می‌توان به نظریه‌های رژیم، تکثرگرایی، نخبه‌گرایی و ماشین‌رشد اشاره کرد.

بر اساس دسته‌بندی بالا، در زیر مطالعات و نظریه‌های مرتبط با شهر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۱- مباحث غیرمرتبط با تصمیم گیری

اگر به ادبیات و پیشینه موجود در باره مفهوم و پدیده شهر طی دهه های گذشته توجه کنیم، متوجه می شویم که بخش زیادی از آنها، مستقیماً در حوزه مطالعات سیاسی قرار نمی گیرند و به تصمیم گیری نیز ربط نمی یابند. پژوهشگران، این مطالعات گسترده را از لحاظ موضوعی، به نظریه های مدل رشد اقتصادی شهری و نظریه های مربوط به وقوع جرم و راه های مقابله با آن تقسیم می کنند.

۲- مباحث مرتبط با تصمیم گیری

مباحث و نظریه هایی وجود دارند که هر چند غیرسیاسی هستند، ولی به روند تصمیم گیری یک شهر ربط می یابند. به عنوان نمونه، می توان به جمع آوری روزانه زباله، خواهرخوانده کردن شهر تهران با یک شهر دیگر و رنگ کردن در مغازه های یک منطقه شهری اشاره کرد.

ب) مطالعات و نظریه های سیاسی

۱- مباحث غیرمرتبط با تعامل قدرت و تصمیم گیری

مسائل سیاسی شهری بسیار گسترده تر از مسائل و نظریه های مرتبط با روابط قدرت در چگونگی مدیریت شهر هستند. به عنوان نمونه، می توان به میزان آگاهی سیاسی شهروندان و شورش های سیاسی بی هدف شهری اشاره کرد. یا زمانی که از وجود شکاف های ساختاری و سیاسی فعال و غیرفعال در یک شهر حرف می زنیم، در واقع وارد مباحث سیاسی شده ایم. زمانی هم که شهر را به عنوان بخشی از جامعه ملی در نظر می گیریم، پای مباحث زیادی از جمله توسعه ناموزون، چگونگی تقسیم منابع ملی و... به میان می آید.

۲- مباحث مرتبط با تعامل قدرت و تصمیم گیری

اما، مباحث و نظریه هایی وجود دارند که روابط قدرت در مدیریت شهری را به بحث می گذارند و آنها به دو دسته تعامل آشکار و تعامل پنهان قابل دسته بندی هستند.

۱-۲- تعامل رسمی و آشکار

منظور از تعامل رسمی و آشکار، مداخلات قانونی نیروها و نهادهای چهارگانه دولتی، بخش خصوصی، مدنی و شهروندان در روند تصمیم گیری یک شهر است. در این چارچوب، تصمیم گیری به همان شکل صورت می گیرد که قانون گذار اراده کرده است و روند تصمیم گیری، هیچ وجه پنهانی ندارد.

این تعامل با هدف تاثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری در راستای حفظ و یا تقویت منافع غیرقانونی خاص صورت می‌گیرد. در این خصوص تا کنون پژوهش‌هایی صورت گرفته و نظریاتی نیز ارائه شده‌است، که مهمترین آنها، با رعایت ترتیب زمانی، در زیر معرفی می‌شوند:

نظریهٔ نخبگان^{۱۶}: بدین معنی است که شماری نخبه بی‌توجه به نظر مردم، تصمیمات کلیدی مربوط به یک شهر را اتخاذ می‌کنند.

نظریهٔ تکثرگرایی^{۱۷}: با نظریهٔ نخبگان یکی است، با این تفاوت که تکثرگرایان معتقدند نخبگان در حرفه‌ها، اقشار، نیروها و نهادهای مختلف، پراکنده هستند.

نظریهٔ رژیم شهری^{۱۸}: سرشکن شدن قدرت میان اقتصاد بازار و نهادهای سیاسی منتخب عموم، همکاری غیررسمی را میان آنها در شهر ضروری می‌سازد. منظور از رژیم، «ترتیبات غیررسمی است که کارهای رسمی مقامات دولتی را احاطه و تکمیل می‌کنند» (Stone, 1989: 1).

نظریهٔ ماشین‌رشد^{۱۹}: طبق این نظریه، چشم‌طمع مالکان به ارزش مبادله‌ای زمین و ساختمان تحت تملک خود، به طور خودکار و به ضرر عامهٔ مردم، باعث رشد شهر می‌شود. به همین خاطر، رشد شهر چیز خوبی نیست (Logan and Molotch, 1987: 132). «هر دو نظریه رژیم و ماشین‌رشد، بر خلاف تکثرگرایی (و نخبگان)، وابستگی‌های مهم متقابل میان بازار و دولت را مفهوم‌سازی کردند» (Davise and Imbroscio, 2010: 91).

داده‌ها

با توجه به گسترهٔ مطالعاتی اشاره شده در بارهٔ شهر، تلاش شده‌است داده‌های مورد نظر در بارهٔ دو مفهوم سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری، از دو منبع نظرات اندیشمندان و کارهای میدانی به دست آورده شوند.

الف) آراء و نظرات اندیشمندان

۱- سیاست شهر

مفهوم مرکب سیاست‌شهر، یک مفهوم سیاسی است، زیرا (۱) به «توزیع اقتدارآمیز ارزش‌ها» (Easton, 1979: 172)، که تعریفی از سیاست است، مربوط می‌شود، (۲) محمول آن، منافع بخش قابل توجهی از

مردم یک جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، (۳) یک امر سیاسی فروملی است، و (۴) به تصمیم‌گیری در شهر مربوط می‌شود.

شهر نیز به‌عنوان جزء دوم مفهوم سیاست‌شهر، «مکانی است با تراکم بالا و دائمی جمعیت مسکون و دارای مرزهای اداری تعریف شده، که کشاورزی شغل مقدم ساکنان آن نیست» (Gaves, 2005: 99). سازمان ملل ضمن ارائه تعریفی مشابه، اختلافات اندیشمندان در باره شهر را صرفاً به محدوده‌های جغرافیایی آن، منحصر می‌کند (UN, Databooklet, 2018: 1). لذا، به نظر می‌رسد که بر سر تعریف شهر، اجماع‌نظر وجود دارد و مشکل فقط ترسیم مرزها و حداقل جمعیت آن است، که البته این مشکل را نیز قوانین کشورها، حل می‌کنند. بر اساس قانون تقسیمات کشوری ایران، شهر با حدود قانونی خود، در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده و حداقل ۱۰ هزار نفر جمعیت دارد (قانون تقسیمات کشوری، مصوب سال ۱۳۶۲).

در مورد سیاست‌شهر، پژوهشگران بر سر این مفهوم کم‌وبیش اتفاق نظر دارند و چیزی که باعث افتراق میان برخی از آنها می‌شود، این است که هر یک از زاویه‌ای متفاوت به آن می‌نگرد. دیوید جاج^{۲۰} و همکارانش هرچند از سیاست‌شهر مستقیماً تعریفی به دست نمی‌دهند، ولی به نظر می‌رسد که مدیریت شهری را معادل دولت‌محلی^{۲۱} می‌گیرند و به نظر آنها، دولت‌محلی در امتداد دولت بزرگ‌تر قرار می‌گیرد و وظایف و کارکرد آن نیز با توجه به ساختار سیاسی هر کشوری، فرق می‌کند (Judge et. al., 1995: 121). جانانان دیویس و همکارانش نیز سیاست‌شهر را این گونه تعریف می‌کنند: «سیاست‌شهر کاملاً سرراست، به تصمیم‌گیری معتبر در مقیاس کوچک‌تر از واحد ملی - سیاست در سطح فروملی - مربوط می‌شود» (Davies and Imbroscio, 2009: 32). اما آنها در ادامه، توضیح می‌دهند که خطوط مرزی این سطح با سطوح فراتر از آن، چندان هم سرراست و شفاف نیست: «... چرا که هرکدام بر دیگری تاثیر می‌گذارند... ولی تمرکز در سطح فروملی، بر منافع خاص نهادهای سیاسی و بازیگرانی است که در آنجا عمل می‌کنند...» (Davies and Imbroscio, 2009: 32). جری استوکر^{۲۲} هم تعریف خاص خودش را از این مفهوم ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «اجتماعات شهری در شهرهای بزرگ و کوچک یافت می‌شوند؛ سیاست‌شهر به تصمیم‌گیری‌هایی مربوط می‌شود که رفاه و خوشبختی شهروندان چنین اجتماعاتی را تقویت کرده و یا به تحلیل می‌برند. (البته) الزاما این گونه نیست که چنین تصمیماتی از لحاظ فضایی، در درون شهرهای بزرگ و کوچک اتخاذ گردند» (Stoker, 1998: 199).

در تعریف بالا، روی دو ویژگی تاکید می‌شود؛ نخست، این تعریف هیچ فرضی را در نظر نمی‌گیرد مبنی بر این که چارچوب بحث سیاست‌شهر، منحصر به نهادهای دولتی و یا سیاست‌گذاری نمایندگان رسمی است. دوم، عوامل موثر بر روند تصمیم‌گیری یک شهر، صرفاً در همان شهر حضور ندارند، بلکه ممکن است در همه‌جا چه محلی، چه ملی و یا فراملی، حضور داشته باشند.

در کتاب راهنمای پژوهش در باره سیاست و خط‌مشی شهری در ایالات متحده (1997)، مقاله‌ای به قلم پیترو ازی‌نجر^{۳۳} وجود دارد، که در آن، ویژگی‌های سیاست‌شهر این‌گونه مطرح شده‌است: «رقابت و منازعه سئوالاتی را نخست درباره توزیع و استفاده از منابع سیاسی در شهر و سپس، درباره الگوهای منتج از سلطه، اطاعت و ائتلاف ایجاد می‌کند. این الگوها ممکن‌است بر حسب ساختار قدرت سیاسی توصیف‌شوند» (Vogel, 1997: 17). همان‌طور که می‌بینیم، ازی‌نجر گستره سیاست‌شهر را خیلی وسیع‌تر از نهادهای رسمی ترسیم می‌کند. وی در ادامه، به نیروها و نهادهای غیردولتی و حتی اشخاص نیز به‌عنوان بازیگران سیاست‌شهر اشاره می‌کند (Vogel, 1997: 18). به اعتقاد این نویسنده، هرچند بحث‌هایی که از دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ بر سر این که در سطح محلی، چه‌کسی حکومت می‌کند، نتیجه رضایت بخشی نداشته‌است و دیگر هم در باره آن حرف نمی‌زنیم، ولی «این ادبیات به ما آموخت متوجه شیوه‌هایی باشیم که از طریق آنها، قدرت و نفوذ سیاسی در شهر، توزیع و اعمال می‌شود. ما یادگرفته‌ایم که با مشاهده سیاست‌شهر، می‌توانیم نقشه‌ای از صورتبندی قدرت در جامعه را به دست دهیم» (Vogel, 1997: 18).

با توجه به آرا و نظرات بالا، مشخص شد که سیاست‌شهر عبارت‌است از چگونگی مداخله نیروها و نهادها در مدیریت یک‌شهر، به گونه‌ای که بر منافع و رفاه شهروندان تاثیر بگذارد.

مفهوم سیاست‌شهر در تطور خودش، دچار قبض و بسط معنایی چندانی نشده‌است و علمای سیاست کم‌وبیش روی یک تعریف واحد در باره آن، اتفاق نظر داشته و دارند. این وحدت‌نظر البته، نشانه خوبی در مورد قوام و پا برجایی گفتمان سیاست‌شهر در عرصه مباحث علمی است.

۲- خط‌مشی شهری

اصطلاح خط‌مشی در زبان فارسی، معادل ترجمه کلمه انگلیسی Policy است. در فرهنگ انگلیسی کمبریج، Policy چنین معنی می‌دهد: «مجموعه‌ای از ایده‌ها و یا طرحی که به‌طور رسمی مورد توافق گروهی از مردم، یک سازمان تجاری، یک دولت، و یا یک حزب سیاسی قرار گرفته و در شرایط خاص، بر اساس آن عمل می‌شود» (Audi, 1995). در فرهنگ دهخدا نیز خط‌مشی کنایه از روش کار و طریقه است (Dehkhoda, 1931). این مفهوم در علم مدیریت و برنامه‌ریزی، با سازمان و حیطة اختیار و عمل مدیران گره خورده‌است (رضائیان، ۱۳۷۹، ۲۱۰). در مدیریت «خط‌مشیها قلمرویی را که در آن یک تصمیم باید گرفته‌شود روشن می‌کنند و اطمینان می‌دهند که این تصمیم با یک هدف سازمان سازگار است و برای دستیابی به آن یاری می‌دهد» (کونتز، ۱۳۸۸، ۱۷۸).

در مباحث مربوط به شهر هم، خط‌مشی کم‌وبیش همین معنا را دارد. به عنوان مثال، در کتاب خط‌مشی شهری بریتانیا (1999) آمده‌است: «طی ۳۰ سال اخیر، طیف وسیعی از خط‌مشی‌ها، چه توسط دولت مرکزی و چه دولت محلی، برای مقابله با بدترین پیامدهای زوال شهری، به کار گرفته‌شده

اند» (Imrie and Thomas, 1999: 18). این جمله، به وضوح مشخص می‌کند که خط‌مشی شهری چیزی جز اقدامات و ابتکارهای مراجع رسمی نیست.

تیم بلک‌من^{۲۴} خط‌مشی شهری را این‌گونه تعریف می‌کند: «خط‌مشی شهری عبارت از نیل به بهترین توزیع منابع قابل دسترس شهری جهت افزایش رفاه است» (Blackman, 1995: 348). وی در جای دیگر نیز می‌نویسد: «خط‌مشی شهری عبارت از "رفع نیازها" است. برای مثال، "نیاز به ساخت مسکن"، "نیازهای بهداشتی"، ایجاد رفاه برای "کودکان نیازمند" و یا (رفع) "نیازهای" افراد معلول» (Blackman, 1995: 288). در یک جمع‌بندی، نگرش به خط‌مشی در حوزه شهری، همان نگرش متداول در جامعه‌شناسی، مدیریت و برنامه‌ریزی است.

با دقت در نگرش‌های ذکر شده، این ویژگی‌ها را می‌توان برای خط‌مشی شهری بر شمرد: (۱) متکی به نهاد و سازمان است، (۲) صراحت و وضوح دارد، (۳) در چارچوب وظایف و اهداف قانونی نهاد جریان می‌یابد، و (۴) هدف آن، توزیع منابع، بهبود رفاه و رفع نیازهای شهروندان است.

با توجه به ویژگی‌های بالا، در تعریف خط‌مشی شهری می‌توان گفت که عبارت از ابتکارها و فعالیت‌های اشخاص و نهادها در ارتباط با یک شهر است و محدوده این فعالیت‌ها را نیز قانون مشخص می‌کند. هر خط‌مشی انتخاب شده برای یک شهر، بر اساس رشته‌ای از برنامه‌ها و طرح‌ها به اجرا در می‌آید.

ب) اسناد و مطالعات میدانی

در پژوهش‌های میدانی، کلا گرایش بر این بوده است که در سیاست‌شهر، به نیروهای پنهان پرداخته شود و در خط‌مشی شهری نیز، برآورده شدن نیازها و ارائه خدمات عمومی مد نظر قرار گیرند. در زیر هر یک از این دو، به تفکیک مورد توجه قرار گرفته‌اند:

۱- سیاست شهر

ماسا جورجویچ^{۲۵} با بهره‌گیری از مفهوم حکمروایی^{۲۶} به معنای اعمال قدرت توسط شبکه گسترده‌ای از نیروها و نهادهای رسمی و غیررسمی (Djordjevic, 2006: 15)، و بهره‌گیری از نظریه رژیم‌شهر (Djordjevic, 2006: 25)، تحولات دو شهر بوداپست و ورشو را در شرایط پس‌سوسیالیستی دهه ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار داده است. این کار میدانی در کل، مفروض و دغدغه مهم سیاست‌شهر، یعنی تاثیرگذاری نیروهای غیردموکراتیک بر روند تصمیم‌گیری شهر، را تایید می‌کند. نیکو کالوویتا^{۲۷} که در باره تحولات شهر سانتیاگو تحقیق کرده، به این نتیجه رسیده است که این تحولات در قالب نظریه ماشین‌رشد می‌گنجد. او در باره سانتیاگو می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که ماشین‌رشد بر ائتلاف‌های ضدرشد، تفوق سیستمی دارد» (Calavita, 1992: 2). دیوید کی. هامیلتون^{۲۸} نیز با نظریه رژیم‌شهری، به سراغ تحولات دهه‌های

اخیر شیکاگو می‌رود و به این نتیجه می‌رسد که در شیکاگو، رژیم‌های حاشیه‌ای این شهر با رژیم‌های بخش مرکزی آن، تفاوت دارند و حتی میان دولت فدرال (مرکز) و سیاستمداران محلی، تزاخم وجود دارد. به عنوان مثال، «پیشنهادهایی که توسط سازمان‌های برنامه‌ریزی فدرال توصیه می‌شوند، اگر با انتظارات سیاستمداران محلی همخوانی نداشته باشند، معمولاً نادیده گرفته می‌شوند» (Hamilton, 2002: 411).

رویکرد تحلیلی اکثر کارهای میدانی مرتبط با شهر تهران هم متوجه روابط قدرت است. در این میان، پژوهش‌های غلامرضا کاظمیان (۱۳۸۳) و مهدی چمنی مقدم (۱۳۹۴)، شاخص‌تر از بقیه هستند. آنها به ویژه روی روابط پنهان قدرت در روند تصمیم‌گیری تهران انگشت می‌گذارند.

۲- خط‌مشی شهری

تیم بلک‌من که سعی کرده است خط‌مشی شهری را در شهرهای بزرگ و کوچک انگلیس، به عمل پیوند دهد، می‌نویسد: «خط‌مشی شهری اساساً در باره رفاه ساکنان محلی در یک جامعه شهری است، که شامل برنامه‌ریزی و ارائه خدمات عمومی و حمایت از توسعه اقتصاد محلی می‌شود. شماری از سازمان‌ها در بخش عمومی محلی، در خط‌مشی (گذاری) شهری نقش ایفاء می‌کنند، اما مهم‌ترین آنها، مقامات منتخب محلی هستند» (Blackman, 1995: 5). او هر چند معتقد است که «خط‌مشی شهری نمی‌تواند جدای از سیاست و این سؤال فراگیر باشد که چه کسی در نتیجه خط‌مشی‌گذاری، برنده و چه کسی بازنده است» (Blackman, 1995: 14). ولی اصولاً به دنبال کشف روابط پنهان قدرت در شهر نیست و انگار این پدیده را طبیعی می‌داند و از کنارش می‌گذرد. از نگاه بلک‌من، خط‌مشی شهری، معطوف به رفع نیازهای بهداشتی، ساخت مسکن، کمک به کودکان نیازمند و افراد معلول است (Blackman, 1995: 288) و طبعاً، این اقدامات را دولت‌های محلی انجام می‌دهند. او در طول تحقیقات خود، از مفاهیم زیر بارها استفاده می‌کند: دولت محلی، بخش عمومی محلی، مقامات محلی، خدمات عمومی، کنترل دموکراتیک، رفاه ساکنان محلی، برنامه‌ریزی، توسعه اقتصاد محلی، اشتغال محلی، توزیع منابع و رفع نیازها.

بر اساس سند دولت جمهوری چک هم، خط‌مشی شهری یک وظیفه دولتی دانسته می‌شود. در این سند آمده است: «خط‌مشی شهری یک مفهوم و فعالیت سیستماتیک مقامات عمومی (مثل نهادهای اروپایی، یک دولت) بوده و هدف آن، توسعه شهرها است» (Ministry for Regional Development of Czech Republic, 2010). همین تعریف در سند «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی جهان» هم تکرار شده است (Twenty Years Urban Policy at OECD, 2019: 26).

در مرحله تحلیل، مضامینی که در داده‌ها مندرج هستند، دسته‌بندی، کدبندی، توصیف و تفسیر شده‌اند. در جدول زیر این اقدامات ارائه شده‌است.

جدول ۱- کدبندی مضامین مندرج در مفهوم سیاست شهر

مضامین / مفاهیم	کُد	توصیف	تفسیر
دولت محلی در امتداد دولت بزرگ تر قرار می‌گیرد (Judge et, al., 1995: 121).	قدرت نسبی	میزان قدرت دولت‌های محلی معمولاً متأثر از شکل حکومت (متمرکز، فدرال) و موارد دیگر است.	نسبی بودن قلمرو، جزو ذات حکومت محلی و از ارکان سیاست شهر است.
رفاه شهروندان، تقویت و یا تضعیف می‌شود (Stoker, 1998: 199).	شرایط مبهم	تصمیم‌گیری در شرایطی، به "تصمیم‌سازی" تبدیل شده و بر رفاه شهروندان تأثیر منفی می‌گذارد.	پیامد تصمیم به چگونگی اتخاذ آن، ربط دارد.
نیروهای رسمی و غیررسمی و حتی اشخاص می‌توانند بازیگران سیاست شهر باشند (Vogel, 1997: 18).	انواع کنش‌گران	هر کس که قدرت دارد، می‌تواند بر روند تصمیم‌گیری تأثیر بگذارد.	تصمیم‌گیری تابع روابط قدرت در شهر است.
ماشین‌های رشد (Calavita, 1992: 2)، رژیم‌های شهری (Djordjvic, 2006: 25)	تعامل کنش‌گران	کنش‌گران برای سود و در آمد خود، با هم ائتلاف و همکاری می‌کنند.	شهر از نگاه کنش‌گران یک کالا است.
صورت‌بندی [پنهان] قدرت در شهر (Vogel, 1997: 18).	قدرت شبکه‌ای	قدرت شبکه‌ای پنهان احتمالاً بر روند تصمیم‌گیری، تأثیر می‌گذارد.	غلبه قدرت شبکه‌ای بر قدرت رسمی، یک مسئله است.

منبع: یافته تحقیق حاضر.

مضامین فوق، معمولاً در اظهار نظرهای اندیشمندان و پژوهشگران میدانی سیاست‌شهر تکرار می‌شود و متفکران بر سر این مضامین، کم‌وبیش اتفاق نظر دارند. بنابراین، ویژگی‌های تکرار شونده مندرج در جدول بالا، تصور درستی از مفهوم سیاست شهر و حدود و ثغور مفهومی آن به دست می‌دهند. در ادامه، همین شیوه تحلیل در مورد مفهوم خط‌مشی شهری به کار گرفته شده‌است.

ب) مرزهای مفهومی خط‌مشی شهری

مهم‌ترین و پرکاربردترین مضامین و مفاهیم مرتبط با خط‌مشی شهری، در جدول زیر دسته‌بندی، کدبندی، توصیف و تفسیر شده‌اند.

جدول ۲- کدبندی مضامین و مفاهیم مندرج در مفهوم خط‌مشی شهری

مضامین/ مفاهیم	کُد	توصیف	تفسیر
خط‌مشی‌گذاری توسط دولت مرکزی و دولت‌محلی صورت می‌گیرد (Imrie and Thomas 1999: 18).	قدرت رسمی	نهادهای قانونی و مجاز عهده دار خط‌مشی- گذاری هستند.	قدرت رسمی عهده دار خط‌مشی‌گذاری است.
توزیع منابع قابل دسترس شهری جهت تقویت رفاه و رفع نیازها (Blackman, 1995: 288 , 348).	رفاه بخشی	هدف خط‌مشی شهری، افزایش رفاه شهروندان و رفع نیازهای آنها است.	لا اقل در عالم نظر، با هدف سیاست شهر یکی است.
فرمول‌بندی و طراحی جهت نیل به اهداف (کونتز، ۱۳۸۸، ۱۷۸). مدیریت، برنامه‌ریزی.	شرایط شفاف	در خط‌مشی، معمولاً روندها و اهداف، از قبل مشخص می‌شوند.	در خط‌مشی‌گذاری، همه چیز شفاف است.
دولت محلی چارچوب آشکاری را برای شرکت‌ها(ی تحت پوشش) فراهم می‌کند (Blackman, 1995: 15). برنامه مصوب، رویه، بخشنامه	تاکتیک آشکار	دولت‌های محلی معمولاً کارها را به صورت آشکار و تعریف شده، به شرکت‌ها می‌سپارند.	این حوزه با حوزه سیاست‌شهر، می‌تواند مشترک باشد.

منبع: یافته تحقیق حاضر.

کدهای ذکر شده در جدول بالا، ویژگی‌هایی هستند که چه در آثار نظری و چه در اسناد و کارهای عملی مرتبط با خط‌مشی شهری، معمولاً تکرار می‌شوند. لذا، آنها را می‌توان به عنوان نشانه‌ها و مرزهای مفهومی خط‌مشی شهری پذیرفت.

در ادامه، مرزهای مفهومی سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری، با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

ب) مقایسه

نسبت میان مسائل شهری از یک طرف و سیاست شهر و خط‌مشی شهری از طرف دیگر، در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۳- نسبت میان مسائل شهری با سیاست شهر و خط‌مشی شهری

سیاسی		غیرسیاسی		انواع مسائل شهری
مرتبط با تعامل قدرت و تصمیم‌گیری	غیرمرتبط با تعامل قدرت و تصمیم‌گیری	مرتبط با تصمیم‌گیری	غیرمرتبط با تصمیم‌گیری	
غیررسمی و پنهان	رسمی و آشکار	قدرت و تصمیم‌گیری		نسبت‌های چهارگانه
	تصمیمات شورای شهر			مشترک میان سیاست شهر و خط‌مشی شهری
نظریه‌های نخبگان، تکثرگرایی، رژیم				حوزه اختصاصی سیاست شهر
			جمع آوری زباله	حوزه اختصاصی خط‌مشی شهری
		شورش‌های سیاسی بی‌هدف/ شکاف‌های سیاسی فعال در شهر	وقوع جرم حاشیه‌گرایی	بی‌ارتباط با هر دو

منبع: یافته تحقیق حاضر.

بر اساس جدول بالا، سیاست شهر و خط‌مشی شهری حوزه‌های مشترک و حوزه‌های انحصاری دارند و همین حوزه‌های انحصاری، آنها را از هم متمایز می‌کنند؛ سیاست شهر رقابت‌ها، همکاری‌ها، مداخلات پنهان و یا

انفعال نیروها و نهادها را پوشش می‌دهد، در حالی که در خط‌مشی شهری کنش‌هایی مد نظر قرار می‌گیرند که توسط نهادها و نیروهای رسمی و قانونی و یا با اجازه و مدیریت آنها صورت می‌گیرند.

بر اساس توضیحاتی که تا کنون ارائه شده‌است، چهار حوزه زیر را می‌توان در ارتباط با سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری تشخیص داد:

(۱) موضوعاتی که با تصمیم‌گیری و روابط قدرت پیوندی آشکار دارند. این موضوعات در سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری مشترک هستند.

(۲) موضوعاتی وجود دارند که پیوندشان با تصمیم‌گیری آشکار است، ولی به روابط قدرت پنهان و تاثیر آن بر روند تصمیم‌گیری نیز ربط می‌یابند. این موضوعات، به طور اختصاصی در حیطه سیاست‌شهر قرار می‌گیرند.

(۳) موضوعاتی هستند که به تصمیم‌گیری مربوط می‌شوند، ولی اصولاً به روابط قدرت ربطی ندارند. این موضوعات اختصاصاً در حیطه خط‌مشی شهری قرار می‌گیرند.

(۴) موضوعاتی که به تصمیم‌گیری و روابط قدرت، ربط پیدا نمی‌کنند و خارج از حیطه سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری قرار می‌گیرند.

نسبت دو مفهوم تصمیم‌گیری و روابط قدرت با سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری، در جدول زیر نمایش داده شده‌است:

جدول ۴- نسبت تصمیم‌گیری و روابط قدرت با سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری

روابط قدرت		تصمیم‌گیری	مفاهیم حوزه شمول
پنهان	آشکار		
	+		مشترک در سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری
+			انحصاری سیاست‌شهر
		+	انحصاری خط‌مشی-شهری

منبع: یافته تحقیق حاضر.

جدول بالا مرزهای مفهومی سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری را مشخص کرده‌است.

ت) نسبت دو مفهوم با علم‌سیاست‌شهر

همان طور که گفته شد، تعریف و الگوی مفهومی اولیه علم سیاست شهر، عبارت از فهم چگونگی مداخله نیروها برای توزیع ارزش‌ها در سطح یک شهر است. این تعریف به ما می‌گوید که موضوع علم سیاست شهر، سیاست در شهر یا همان سیاست شهر است. لذا، کل قلمرو مفهومی سیاست شهر در چارچوب علم سیاست شهر قرار می‌گیرد. اما، با توجه به الگوی مفهومی اولیه علم سیاست شهر و دغدغه‌ای که اندیشمندان اولیه در باره چگونگی تصمیم‌گیری و مدیریت شهرهای آمریکا داشته‌اند، آن بخش از قلمرو سیاست شهر که به موضوعات غیررسمی و پنهان مربوط می‌شود، برای علم سیاست شهر، از بخش رسمی و آشکار مهم‌تر است. چرا که اصولاً همین مداخلات غیررسمی لایه‌های پنهان، علت ظهور علم سیاست شهر بوده‌اند. بر اساس همین استدلال، آنچه که در سیاست شهر، محوری و انحصاری است، برای علم سیاست شهر هم انحصاری است. لذا، کانون اصلی و تمرکز پژوهش در علم سیاست شهر، فهم چگونگی مداخله پنهان نیروها در روند تصمیم‌گیری یک شهر است.

اما، در مورد خط‌مشی شهری نمی‌توان مشابهت سیاست شهر حکم‌داد و گفت آنچه در قلمرو علم سیاست شهر قرار می‌گیرد، در قلمرو خط‌مشی شهری نیز قرار می‌گیرد. چون بر اساس توضیحاتی که تا کنون داده شده است، فقط بخش‌هایی از خط‌مشی شهری، در چارچوب علم سیاست شهر قرار می‌گیرند که سیاسی باشند. اصولاً بخش انحصاری و غیرسیاسی مباحث خط‌مشی شهری، به علم سیاست شهر ربط پیدا نمی‌کند. بخش مشترک میان خط‌مشی شهری و سیاست شهر هم برای علم سیاست شهر، اهمیت زیادی ندارد و حاشیه‌ای محسوب می‌شود.

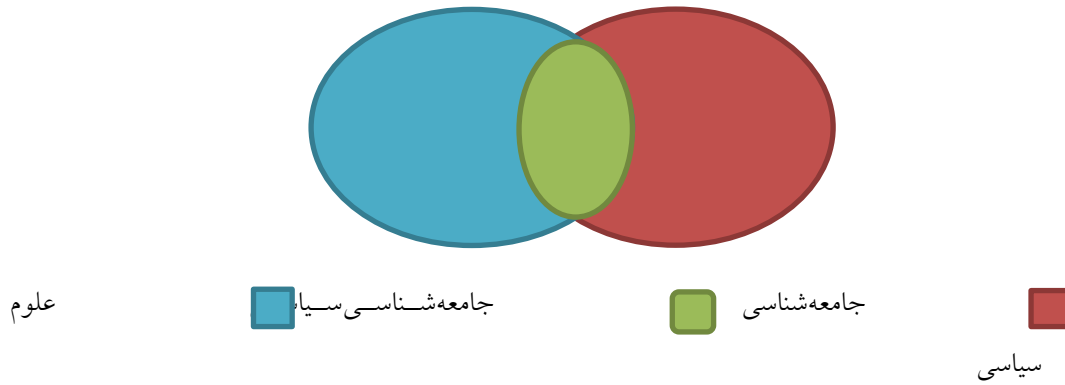
چ- نسبت دو مفهوم با جامعه‌شناسی و علوم سیاسی

۱- جامعه‌شناسی

در جامعه‌شناسی، زندگی اجتماعی انسان و گروه‌ها با این هدف مطالعه می‌شود که بفهمیم «چرا ما این‌گونه‌ایم که اکنون هستیم و چرا بدین‌گونه عمل می‌کنیم» (گیدنز، ۱۳۹۷، ۴). به عبارت دیگر، سنگ‌بنای نگرش جامعه‌شناختی، فهم «نحوه انعکاس زمینه‌های وسیع‌تر اجتماعی و تجربی در زندگی‌های فردی» (گیدنز، ۱۳۹۷، ۴) است. در جامعه‌شناسی، سیاست در دل جامعه قرار می‌گیرد و هدف، «پیدا کردن ریشه‌های اجتماعی یک پدیده سیاسی» (نقیب زاده، ۱۳۸۹، ۵۹) است. این در حالی است که از نگاه بسیاری از سیاست‌شناسان، سنگ‌بنای علم سیاست، مفهوم "قدرت" (دورژه، ۱۳۶۹، ۱۷ و ۱۸) است و اندیشمندان علوم سیاسی روی روابط قدرت، سلطه و اقتدار متمرکز می‌شوند (Dahl, 1970: 6).

در این میان، موضوع و هدف علم سیاست شهر، یعنی فهم چگونگی مداخله قدرت در روند تصمیم‌گیری یک شهر، با موضوع علوم سیاسی، کم‌وبیش یکی است، ولی با موضوع جامعه‌شناسی تفاوت دارد. علت کوچ‌تریدرجه‌ای علم سیاست شهر از منشاء خودش (جامعه‌شناسی)، به درون حوزه علوم سیاسی، همین اشتراک

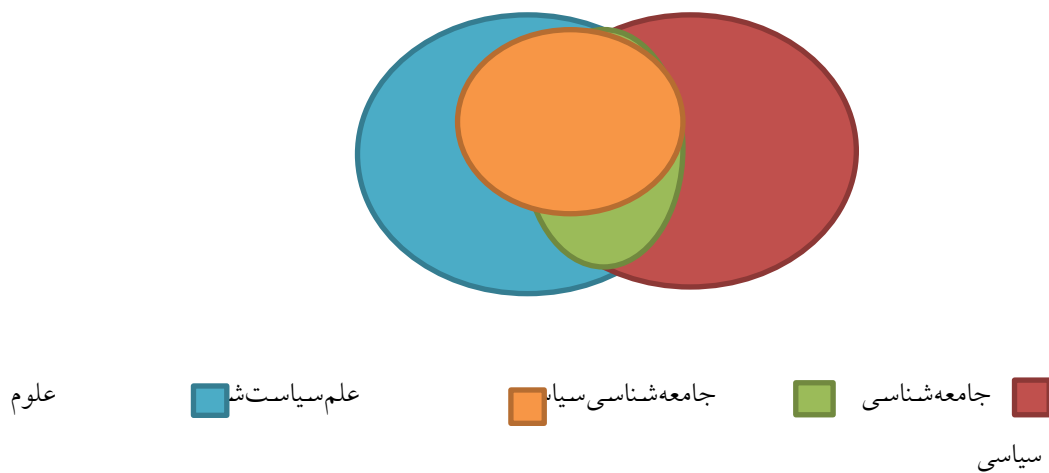
تقریبی علم سیاست شهر و علم سیاست، در موضوع و هدف است. در مورد جامعه‌شناسی سیاسی هم گفته شده است که در چارچوب این علم، «جامعه و نظام سیاسی در حالت اندرکنشی» (نقیب زاده، ۱۳۸۹، ۵۹) قرار دارند و بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. لذا، جامعه‌شناسی سیاسی میان جامعه و سیاست، وضعیتی متوازن دارد. شکل زیر جایگاه علم جامعه‌شناسی سیاسی را در دو رشته علوم سیاسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد:



شکل ۵ - جایگاه جامعه‌شناسی سیاسی در دو رشته جامعه‌شناسی و علوم سیاسی

۲- علم سیاست شهر

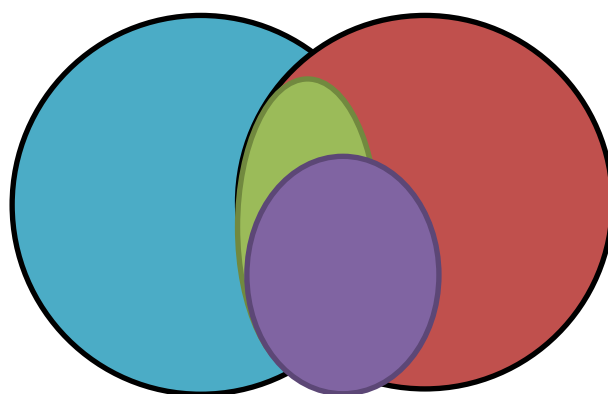
اما، علم سیاست شهر به طور تمام و کمال، در قالب جامعه‌شناسی سیاسی جای نمی‌گیرد، و علتش نیز به آن‌چه تا کنون گفته شد، بر می‌گردد؛ علم سیاست شهر مثل جامعه‌شناسی سیاسی، وضعیتی متوازن میان جامعه و سیاست ندارد. علم سیاست شهر تا آنجا که به جامعه‌شناسی مربوط می‌شود، کل مباحث آن در درون جامعه‌شناسی سیاسی قرار می‌گیرد. اما، بسیاری از مباحث علم سیاست شهر (مثل روابط عمودی قدرت)، فراتر از جامعه‌شناسی سیاسی و مختص علوم سیاسی هستند. در شکل زیر، جایگاه علم سیاست شهر در سه رشته جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی، ترسیم شده است:



شکل ۶- جایگاه علم سیاست شهر در رشته‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی

۳-خط‌مشی شهری

با توجه به توضیحاتی که تا اینجا در ارتباط با خط‌مشی شهری ارائه شده‌است، می‌توان نسبت آن را با جامعه شناسی، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی مشخص کرد. این میزان تداخل و در برگیری، در شکل زیر نشان داده شده‌است.

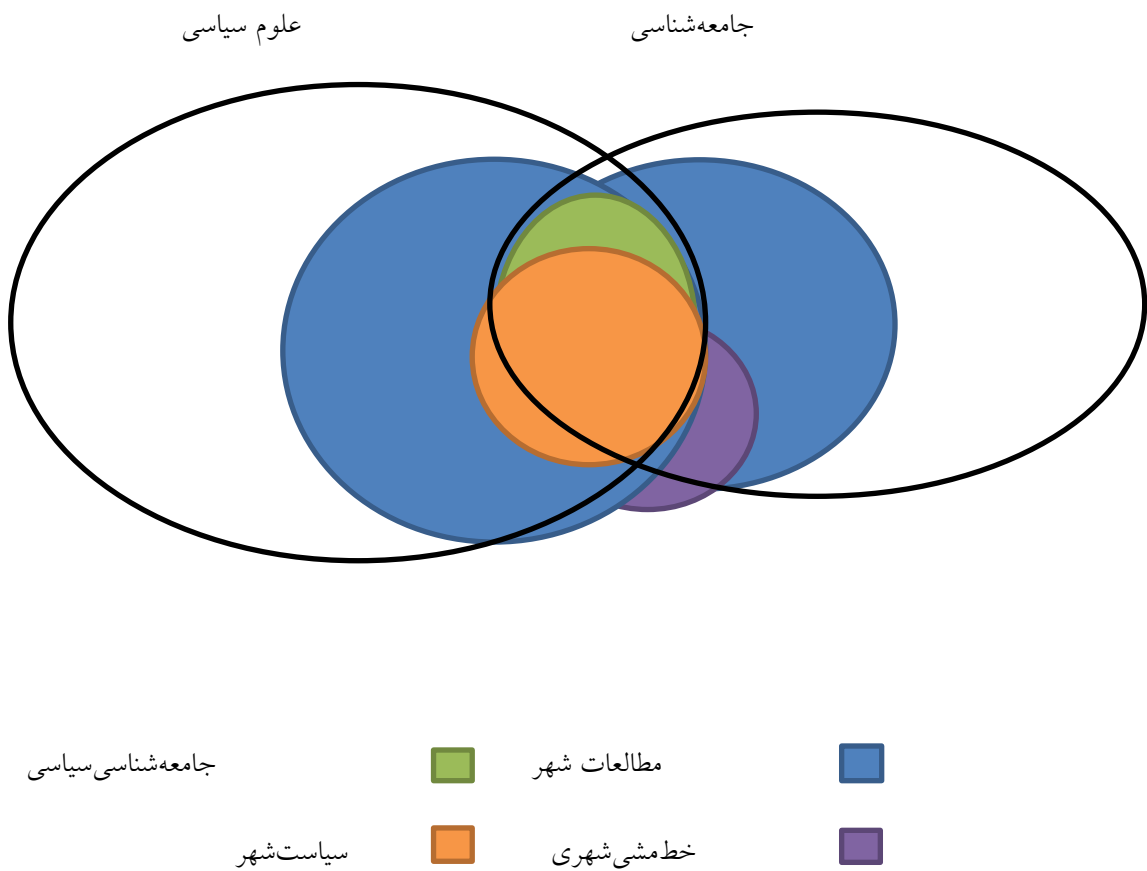


شکل ۷- جایگاه خط‌مشی شهری در جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی

همان‌طور که شکل فوق نشان می‌دهد، علم جامعه‌شناسی کل خط‌مشی شهری را پوشش می‌دهد و اصولاً خاستگاه آن، همین جامعه‌شناسی است. اما، بخش زیادی از مباحث جامعه‌شناسی سیاسی با مباحث و موضوعات خط‌مشی شهری متفاوت است؛ بسیاری از مسائل و موضوعات، مثل شورش‌های دهقانی، وجود دارند که در حیطه جامعه‌شناسی سیاسی قرار می‌گیرند، ولی به خط‌مشی شهری ربطی ندارند. در مقابل نیز بسیاری از مسائل و موضوعات مرتبط با خط‌مشی شهری، مثل ایجاد باشکاه ورزشی، وجود دارند، که اصولاً سیاسی نیستند.

۴- نمایش تطبیقی مرزهای مفهومی

مرزهای مفهومی سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری و جایگاه آنها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، در شکل زیر مشخص شده‌اند:

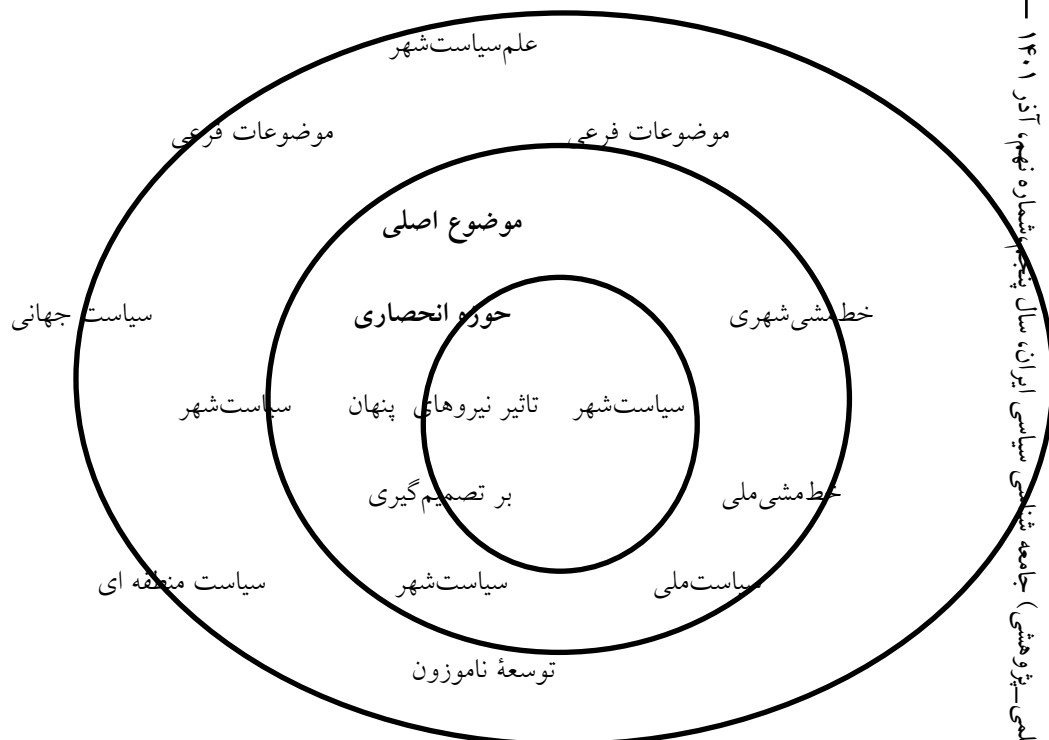


شکل ۸- جایگاه مطالعات شهر در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی

در مورد شکل بالا، این موارد را می‌توان ذکر کرد: (۱) صرفاً بخش‌هایی از حوزه مطالعات شهری در منطقه مشترک رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی قرار می‌گیرند، و هر یک از آنها حوزه‌های مختص خود را نیز در ارتباط با شهر دارند، (۲) هر چند حوزه سیاست‌شهر در منطقه مشترک رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی قرار می‌گیرد، ولی سیاست‌شهر مباحث مشترکی را با علوم سیاسی دارد که به جامعه‌شناسی ربط پیدا نمی‌کنند، و (۳) بخش زیادی از مباحث خط‌مشی شهری، در چارچوب جامعه‌شناسی سیاسی قرار نمی‌گیرد.

تا اینجا متوجه شده‌ایم که منظور از علم‌سیاست‌شهر، فهم سیاست در سطح یک شهر مفروض بوده و مفهوم سیاست‌شهر به طور خاص، موضوع علم‌سیاست‌شهر است. علاوه بر آن، پی‌برده‌ایم که مداخلات پنهان نیروهای غیررسمی در روند تصمیم‌گیری یک شهر، حوزه انحصاری اطلاق مفهوم سیاست‌شهر است. با این مقدمات، به جواب پرسش پژوهش حاضر می‌رسیم، مبنی بر این که مقایسه دو مفهوم سیاست و خط‌مشی در مقیاس یک شهر، به ما کمک می‌کند که بفهمیم هدف اصلی علم‌سیاست‌شهر، عبارت از فهم مداخلات پنهان نیروهای غیررسمی در روند تصمیم‌گیری یک شهر است و پژوهشگران علم‌سیاست‌شهر باید روی این موضوع متمرکز شوند و مسائل و موضوعات غیرمرتبط با آن را جزو مباحث فرعی و غیرمهم بدانند.

استدلال فوق در شکل زیر نشان داده شده‌است.



شکل ۹- تمرکز پژوهشی در علم‌سیاست‌شهر

در شکل بالا ما می‌بینیم که حوزه علم‌سیاست‌شهر، بسیار گسترده است؛ از لحاظ موضوعی، مسایل کلانی مثل توسعه ناموزون، ناآرامی‌های شهری و شکاف‌های سیاسی شهر را دربرمی‌گیرد. از لحاظ سطوح دربرگیری جغرافیایی نیز بسیاری از مسائل و موضوعات موجود در سه سطح فروملی (محلی)، ملی، منطقه‌ای و جهانی را در شامل می‌شود.

اما، همان‌طور که در بالا نیز نشان داده شده‌است، مسائل و موضوعات تحت قلمرو علم‌سیاست‌شهر، برای این علم اهمیت یکسانی ندارند و می‌توان آنها را در سلسله مراتبی از کم‌اهمیت‌ترین تا با اهمیت‌ترین (یا

مرتبط‌ترین) موضوعات قرار داد. کم‌اهمیت‌ترین آنها، مسائل کلان و جهانی است، مسائل مشترک خط‌مشی‌شهری و سیاست شهر، در وسط قرار می‌گیرد و مهم‌ترین موضوع نیز، حوزه انحصاری سیاست‌شهر، یعنی تاثیر نیروهای پنهان بر روند تصمیم‌گیری است.

در یک جمع‌بندی، اگر بخواهیم تعریفی از علم‌سیاست‌شهر ارائه کنیم، می‌توانیم بگوییم؛ علمی است که سیاست و قدرت در مقیاس یک شهر را و در سه سطح فروملی، ملی و جهانی بررسی می‌کند و بر وجه پنهان روابط قدرت، توجه ویژه دارد.

یادداشت‌ها

1. Urban Politics Science.

2. Urban Politics.

3. Urban Policy.

4. Robert E. Park.

5. Allan Cochrane.

6. Kevin Ward.

7. David I. Imbroscio.

8. Jonathan S. Davies.

9. John W. Creswell.

10. Cheryl N. Poth.

11. Robert K. Yin.

۱۲. چهار نوع دیگر عبارتند از: روایی، مردم‌شناسی، پدیدارشناسی و داده‌بنیاد.

13. Thematic.

14. Grounded Theory.

15, Pattern-matching Logic.

16. Elites.

17. Pluralism.

18. Urban Regime.

19. Growth Machine.

20. David Judge.
21. Local Government.
22. Gerry Stoker.
23. Peter Ezinger.
24. Tim Blackman.
25. Masa Djordjevic.
26. Governance.
27. Nico Calavita.
28. David K. Hamilton.

منابع

کتاب

- بوگهارت، تیتوس (۱۳۸۹). *فاس شهر اسلام*، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: حکمت.
- دوورژه، موريس (۱۳۶۹). *اصول علم سياست*، ترجمه ابوالفضل قاضي، تهران: اميرکبير.
- رضائيان، علي (۱۳۷۹). *مباني سازمان و مديريت*، چاپ اول، تهران: سمت.
- فلوريدا، ريچارد (۱۳۸۹). *شهرها و طبقه خلاق*، ترجمه ابراهيم انصاري، تهران: جامعه شناسان.
- قاضي، ابوالفضل (۱۳۸۵). *بايسته هاي حقوق اساسي*، چاپ بيست و ششم، تهران: ميزان.
- کونتز، هارولد و ديگران (۱۳۸۸). *اصول مديريت*، ترجمه محمد علي طوسي و ديگران، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: موسسه آموزش و پژوهش مديريت و برنامه ريزي.
- گيدنز، آنتوني (۱۳۹۷). *جامعه شناسي، ويراست چهارم*، ترجمه حسن چاوشيان، تهران: ني.
- لپتل، دانيل (۱۳۸۸). *تبين در علوم اجتماعي*، ترجمه عبدالکريم سروس، چاپ پنجم، تهران: صراط.
- نقيب زاده، احمد (۱۳۸۹). *درآمدي بر جامعه شناسي سياسي*، چاپ هشتم، تهران: سمت.
- بين، رابرت کي. (۱۳۹۸). *مورد پژوهي در تحقيقات اجتماعي*، ترجمه هوشنگ نايبي، چاپ دوم، تهران: ميزان.

چمنی مقدم، مهدی (۱۳۹۴). «تبیین نقش دولت، اجتماع و برنامه ریزان در فرایند برنامه ریزی شهری ایران (مورد پژوهی منطقه یک شهر تهران)»، دکترای جغرافیا، شهید بهشتی.

کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۳). «تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان یابی فضا، تلاش برای طراحی مدل (نمونه منطقه کلان شهری تهران)»، دکترای مدیریت، تربیت مدرس.

اسناد

«قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری»، مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵، به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸-۱۳۶۲/۵/۱۱۲۰۰.

English

Book

Blackman, tim (1995). *Urban Policy in Practice*, London and New York: Routledge.

Cochrane, Allan (2007). *Understanding urban policy: A critical approach*, Oxford: Blackwell.

Creswell, John W. and Cheryl N. Poth (2018). *Qualitative Inquiry & Research Design*, fourth Edition, Los Angeles, London, New Delhi: Sage.

Dahl, Robert (1970). *Modern Political Analysis*, US, N.J.: Prentice-Hall.

Davies, Jonathan S. and David L. Imbroscio (2009). *Theories of Urban - Politics*, First Edition, Los Angeles, London: sage.

Davies, Jonathan S. and David L. Imbroscio (2010). *Critical Urban Studies*, New York: State University of New York Press.

Easton, David (1979). *A Systems Analysis of Political Life*, Chicago: University of Chicago.

Gaves, Roger W. (2005). *Encyclopedia of The city*, London and New York: Routledge.

Imrie, Rob and Huw Thomas (1999). *British Urban Policy*, Second Edition, London: Sage.

Judge, David, et. al. (1995). *Theories of urban politics*, London: Sage.

Logan, John R. and Harvey Luskin Molotch (1987). *Urban Fortunes: The Political Economy of Place*, US: University of California Press.

Park Robert E., Ernest W. Burgess and Roderick Duncan McKenzie (1925). *The city*, Chicago: University of Chicago Press.

Stone, Clarence (1989). *Regime politics Governing Atlanta 1946-1988*, Kansas: University Press of Kansas.

Vogel, Ronald K. (1997). *Handbook of research on urban politics and policy in the United States*, US: Greenwood Press.

Yin, Robert K. (2018). *Case Study Research and Application: Design and Methods*, Six Edition, London: Sage.

Article

Calavita, Nico (1992). "Growth Machines and Ballot Box Planning: The San Diego Case", *Journal of Urban Affairs*, Vol. 14, No. 1, pages 1-24.

Hamilton, David K. (2002). "Regimes And Regional Governance: The Case of Chicago", *Journal of Urban Affairs*, Vol. 24, No. 4, Pages 403-423.

Stoker, Gerry (1998). "Theory And Urban Politics", *International Political Science Review*, Vol. 19, No. 2, pages 119-129.

Ward, Kevin, And David Imbroscio (2011), "Urban Politics: An Interdisciplinary Dialogue", *International Journal of Urban and Regional Research*, Vol. 35, No. 4, Pages 853-871.

Dissertation

Djordjevic, Masa (2006). "The Effect Of Sterategic planning On Urban Governing Arrangements :The Politics Of Developmental Planning In Budapest And Warsaw", Ph.D, CEU Political Science.

Internet

Audi, Robert (1995). www.dictionary.cambridge.org: 25.10.2020.

United Nations, Department of Economic and Social Affairs (2018). www.un.org: 8.4.2020.

Dehkhoda, Ali-Akbar (1931). www.vajehyab.com: 8.11.2020.

Center for Entrepreneurship, SMEs, Regions and Cities (2019). www.oecd.org: 20.10.2020.

Ministry for Regional Development of Czech Republic (2010). www.mmr.cz: 9.01.202